



بزرگ نفتی آمریکایی و اروپایی منعقد کرده است، طرح‌های گسترده‌ای را در زمینه فرآوری و صادرات گاز بخش شمالی میدان گازی پارس جنوبی - که قطری‌ها آن را گنبد شمالی می‌خوانند - در دست اجرا دارد. قطر هم اکنون یکی از بزرگترین صادرکنندگان گاز طبیعی و گاز مایع شده ال‌ان‌جی به اروپا و ایالات متحده است.

کمیته گاز در زمستان سال گذشته، اعتراضات شدید نمایندگان مجلس را نیز به همراه داشت. دولت در سال جاری، تمهیداتی را برای جلوگیری از تکرار این شرایط اندیشیده است. ■

وسیمان)، در زمستان سال گذشته با محدودیت گاز طبیعی مواجه شده و ناچار به مصرف سوخت دوم و یا کاهش تولید خود شدند. کارشناسان معتقدند در صورت عدم بهره‌برداری به موقع از فازهای در دست اجرای پارس جنوبی، تراز منفی گاز طی سال‌های آینده از وضعیت بدتری برخوردار خواهد شد. تأخیر ایران در بهره‌برداری از ذخایر میدان گازی پارس جنوبی - بزرگترین میدان مستقل گازی جهان - که بین ایران و قطر مشترک است، موجب پیشی گرفتن قطر بر ایران در برداشت از ذخایر این میدان مشترک شده است. قطر با قراردادهای بزرگی که با شرکت‌های

وضعیت انرژی در ایران

اخطار!

نابسامان امروز انرژی ایران تا حد زیادی معلول حضور بی‌رقیب دولت در بخش تولید، سرمایه‌گذاری و توزیع بوده است و اگر سیاست‌های اصل ۴۴ به خوبی و به دور از آزمون و خطا در بخش انرژی اجرا شود و هم‌زمان، محیط کسب‌وکار در ایران برای افزایش حضور بخش خصوصی آماده‌سازی شود، می‌توان به حضور پُررنگ بخش خصوصی در راه‌اندازی و بهره‌برداری از پروژه‌های سرمایه‌گذاری در بخش انرژی امیدوار بود. حضور بخش خصوصی که با کاهش تصدی‌گری دولت همراه خواهد شد، می‌تواند در یک فرآیند طبیعی، بخشی از معضلات انرژی را از میان بردارد و آن را سامان‌دهی کند.

نتیجه‌گیری: راهکارهای پیشنهادی شما برای کاهش اتلاف منابع انرژی و دستیابی به استاندارد جهانی مصرف چه می‌باشند؟

طی ۱۰ سال گذشته هم‌زمان با افزایش جمعیت، بیشترین میزان مسکن در کشور تولید شده است و تقاضای مسکن در کشور همچنان رو به رشد است. همین بناهای ساخته شده و یا در حال ساخت، اصلی‌ترین گلوگاه‌های اتلاف انرژی در کشور هستند، چراکه نظارت دقیق و سخت‌گیرانه‌ای نسبت به رعایت استانداردهای ساختمانی مربوط به بهینه شدن مصرف انرژی، در آنها رعایت نمی‌شود. اگرچه قوانین و آیین‌نامه‌های خوبی در زمینه رعایت این استانداردها تدوین شده است، اما در عمل سازندگان واحدهای مسکونی، خود را چندان موظف به رعایت آنها نمی‌دانند، چراکه نظارت دقیق و سخت‌گیرانه‌ای اعمال نمی‌شود. پس برای کاهش اتلاف انرژی در بخش مسکونی و تجاری، واحدهای در حال ساخت باید با نظارت جدی مواجه شوند و واحدهای ساخته شده هم با اعمال سیاست‌های تشویقی، نسبت به بازتعریف استانداردها و اجرای عملیات کاهش اتلاف انرژی دلگرم شوند. در بخش صنعت، تشویق صنعتگران به استفاده از فن‌آوری‌های روز و اعمال سیاست‌های تشویقی چشمگیر برای واحدهایی که مصرف انرژی آنها متناسب

مباحثه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با دکتر حمید ظاهری، سخنگوی اسبق سازمان آپیک و کارشناس مسایل انرژی

قیمت انرژی اعلام نشده و جزئیات آن و نحوه اجرای آن مشخص نیست، اما به صورت طبیعی و بر اساس اصول اساسی اقتصاد، افزایش قیمت، به سرعت بر نحوه و حجم مصرف اثر می‌گذارد. افزایش قیمت حامل‌های انرژی، قطعاً بخشی از اتلاف شدید انرژی - به ویژه در بخش خانگی و تجاری - را از بین می‌برد و ممکن است در بهبود الگوی مصرف این بخش‌ها اثر محسوس بر جای گذارد، اما در بخش صنعت و تولید صنعتی، افزایش بهای انرژی و آزادسازی قیمت آن می‌تواند مزیت وجود منابع انرژی را در ایران، برای گسترش فضای تولید و صنعت تحت تأثیر قرار داده و علاوه بر کاهش حاشیه سود بنگاه‌های صنعتی، سرمایه‌گذاری‌های جدید را در بخش صنعت کشور به صورت جدی با مخاطره مواجه سازد. تولید واحدهای صنعتی اگر بر اساس فرآیند بهای بین‌المللی انرژی صورت پذیرد، هزینه تمام شده تولید را افزایش و سود واحد صنعتی را کاهش خواهد داد و به همین دلیل، بخش صنعت کشور، ضمن از دست دادن بخش عمده‌ای از توان رقابتی خود در عرصه تجارت جهانی، امکان اشتغال‌زایی و کارآفرینی خود را محدودتر خواهد دید. البته در گام‌های نخست، شماری از واحدهای صنعتی برای ادامه حیات در شرایط مذکور، به سوی حداکثر سازی بهره‌برداری انرژی در خطوط تولیدی خود خواهند رفت و از روش‌های روز برای کاهش اتلاف انرژی استفاده خواهند کرد که به نوبه خود می‌تواند شاخص بهره‌وری انرژی مصرفی در بخش صنعت را بهبود بخشد.

نتیجه‌گیری: جایگاه بخش خصوصی را در راه‌اندازی و بهره‌برداری پروژه‌های سرمایه‌گذاری در بخش انرژی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به هر حال این واقعیت را باید قبول کرد که وضعیت

نتیجه‌گیری: با توجه به این که ایران کشوری غیرصنعتی است، چرا سطح مصرف انرژی آن در مقایسه با استانداردهای جهانی، حتی بیش از برخی کشورهای صنعتی است؟

مصرف انرژی در ایران در وضعیت بسیار نگران‌کننده و در تضاد کامل با استانداردهای جهانی است. در کشورهای صنعتی، اگرچه سرانه مصرف انرژی و به ویژه نفت بالاتر از ایران است، اما به دلیل وجود چرخه مصرف، انرژی مصرف‌شده در کشورهای توسعه‌یافته، به صورت مستقیم با افزایش سطح تولید ناخالص داخلی و افزایش درآمد سرانه ارتباط دارد. این مسأله نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه‌یافته، انرژی به صورت صحیح مورد بهره‌برداری قرار گرفته و در جهت پایداری توسعه و افزایش قدرت اقتصادی به کار می‌رود. شاخص شدت انرژی مصرفی، وضعیت نگران‌کننده‌ای را در ایران نشان می‌دهد. امروزه چین با جمعیتی بیش از ۱/۲ میلیارد نفر و تولید انبوه کالاهای صنعتی و اقتصادی، نصف ایران انرژی مصرف می‌کند. یعنی ایران با ۷۰ میلیون نفر جمعیت، دو برابر چین شدت مصرف انرژی دارد. حتی شدت مصرف انرژی ایران از ژاپن که یک گول صنعتی توسعه یافته محسوب می‌شود نیز بیشتر است. مصرف سرانه انرژی در ایران، در سال ۴۶ خورشیدی حدود ۲ میلیون بشکه معادل نفت خام بوده که این میزان ۳۰ سال بعد و در سال ۷۶ به بیش از ۱۰ میلیون بشکه رسیده است. گفتنی است، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران طی این ۳۰ سال، تنها ۱/۵ برابر افزایش یافته، در حالی که مصرف سرانه انرژی ۵ برابر رشد داشته است.

نتیجه‌گیری: تأثیر آزادسازی قیمت انرژی در قالب طرح تحول اقتصادی بر تولید، مصرف و بهره‌وری انرژی چگونه است؟

اگرچه هنوز سیاست دقیق دولت برای آزادسازی

پرسیمان «اقتصاد ایران»

بحران مصرف انرژی و راه حل‌ها

صاحب‌نظران از میزان مصرف و نحوه قیمت‌گذاری انرژی در کشور و راهکارهای اصلاح آن می‌گویند.

امروزه انرژی جایگاه ویژه‌ای را در سطح بین‌الملل به خود اختصاص داده است که متأسفانه این موضوع در کشور ما هنوز از اهمیت شایسته‌ای برخوردار نیست. در این راستا، طی یک پرسیمان از استادان و صاحب‌نظران امر به بررسی این موضوع پرداخته‌ایم که سؤالات آن بدین ترتیب می‌باشند:

(۱) ارزیابی شما از وضعیت کنونی مصرف انرژی در کشور چیست و چشم‌انداز آتی مصرف را چگونه می‌بینید؟

(۲) تأثیر آزادسازی قیمت انرژی در قالب طرح تحول اقتصادی دولت بر تولید، مصرف و افزایش بهره‌وری انرژی چگونه می‌باشد؟

(۳) راهکارهای پیشنهادی شما برای کاهش اتلاف انرژی و دستیابی به استاندارد جهانی مصرف چه می‌باشند؟

(۴) کاهش قیمت‌های جهانی انرژی در نتیجه بحران مالی جهان و تحریم‌های غرب علیه کشورمان، به چه میزان بر تولید و قیمت انرژی در ایران مؤثر بوده و یا خواهد بود؟

این صورت، تا ۱۰ سال آینده هنوز ضایع‌کننده انرژی خواهیم بود.

● ابتدا باید منظور ما از آزادسازی قیمت انرژی معلوم شود. آیا قصد داریم قیمت نفت، گاز یا بنزین را با قیمت کشورهای دیگر به مردم بفروشیم یا می‌خواهیم سوبسید را از آن برداریم؟ این دو مقوله با هم متفاوت است. در حالت اول، سوبسید اضافه، اختلاف هزینه تولید و قیمتی است که به مردم فروخته می‌شود و لذا اگر هزینه تولیدمان بیش از قیمت انرژی باشد، دولت در حال پرداخت یارانه به این محصول است که این موضوع در بسیاری از کشورهای دنیا، در مورد بعضی کالاها رایج می‌باشد. در حالت دوم، دولت قصد دارد قیمت‌ها را با قیمت فروش سایر کشورها مقایسه کند و انرژی به قیمت کشورهای دیگر به ملت ایران فروخته شود.

اعتقاد بسیاری از کارشناسان بر این است که در وهله اول باید سوبسید هزینه‌ها را به قیمت اضافه کنیم تا دولت، یارانه‌ای به انرژی نپردازد. ارزش ذاتی گاز و نفت، مبحث جدایی است که بسته به نگاه دولت‌های مختلف به این موضوع، متفاوت است. اگر با حذف سوبسید هزینه‌های گاز، انتظار کسب ارزش افزوده از آن را داشته باشیم، باید آن را با قیمت مناسب به دست مردم برسانیم. تبدیل گاز به گاز مایع و انتقال آن به سایر کشورها، ارزش افزوده زیادی را ایجاد نمی‌کند و مغایر اهداف چشم‌انداز می‌باشد، لذا موضوع این که سایر کشورها چه تصمیمی در مورد بکارگیری گازشان می‌گیرند، نمی‌تواند معیار سیاستی مناسبی برای کشور ما باشد.



انرژی را به هدر داده‌ایم

دکتر نرسی قربان

مدیر عامل شرکت بین‌المللی تبدیل گاز به مایع نارکنگان، کارشناس مسایل نفت و گاز و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»

● ما در کشور، انرژی را بیش از جاهای دیگر دنیا هدر می‌دهیم که این موضوع، هم در سطح دولتی و هم در سطح مردمی اتفاق می‌افتد. علاوه بر آن، گازهای همراه نفت را در دهه‌های گذشته سوزانده‌ایم و شاید در حدود ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز را در سال - که شاید ۱۰ درصد مصرف ما در کشور باشد - می‌سوزانیم و این روند همچنان ادامه دارد. در سطح مردمی نیز به دلیل ارزانی نسبی فرآورده‌های نفتی، گاز و حتی برق، مردم نسبت به مصرف معقول انرژی بی‌تفاوت بوده‌اند. در آب و سایر منابع کمیاب نیز ما شاهد چنین رفتاری هستیم، لذا بی‌شک مصرف انرژی در کشور، بی‌رویه بالا است و در مقایسه با کشورهای دیگر، میزان مصرف ما رقم قابل توجهی می‌باشد. چشم‌انداز سال‌های آتی را می‌توان بر اساس شواهد موجود، نگران‌کننده توصیف کرد، مگر آن که یک تغییر ساختاری در الگوی مصرف ایجاد شود. در غیر

با استانداردها است، می‌تواند مؤثر باشد. در بخش حمل‌ونقل هم، ایجاد تغییرات ساختاری در عرصه نفت خودرو، سرعت بخشیدن به روند خروج خودروهای فرسوده از مسیر مصرف انرژی، تعیین عمر مفید برای خودروهای تولید شده یا وارداتی و سرمایه‌گذاری برای توسعه حمل‌ونقل عمومی، می‌تواند موجب کاهش اتلاف منابع انرژی شود.

تقدیر: به نظر شما، مهمترین دلیل عدم توفیق در پروژه‌های گازی میدان پارس جنوبی چه می‌باشند؟
اصلی‌ترین دلیل عقب‌ماندگی ایران در برداشت از میدان پارس جنوبی، تأخیر ۱۰ ساله ما در برداشت گاز در مقایسه با قطر است، اما یکی از مهمترین عواملی که این روند را استمرار بخشیده، سیاست آزمون و خطایی است که در این میدان، در بخش ایران اجرا می‌شود. بی‌تجربگی و ضعف فنی برخی شرکت‌های ایرانی پیمانکار فازهای پارس جنوبی، سال‌ها تأخیر را به عملیاتی شدن این فازها تحمیل کرده است، چراکه می‌خواستیم با این روش، فن‌آوری و عملیات توسعه صنعت گاز را بومی کنیم، در حالی که می‌شد این سیاست را در میدانی گاز غیرمشترک اجرا کرد و برای میدانی مشترک و استراتژیکی همچون پارس جنوبی، سرعت انجام کار - حتی به قیمت اجرای آن توسط پیمانکاران خارجی - را مورد توجه قرار دهیم همان‌گونه که در فازهای ۲ تا ۵ عمل شد.

تقدیر: تشکیل آپک گازی را در روند عرضه، مدیریت قیمت و صادرات گاز در سطح جهان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تشکیل آپک گازی - با همان مشخصات آپک نفت - تقریباً ناممکن است، چراکه وضعیت بازار نفت، چرخه عرضه و نحوه قیمت‌گذاری آن با گاز کاملاً متفاوت است. اما تشکیل سازمان با مجمع کشورهای صادرکننده گاز که اخیراً اتفاق افتاد، اقدامی از سوی قدرت‌های بزرگ صادرکننده گاز یعنی روسیه، الجزایر و قطر برای افزایش تسلط خود بر بازارهای صادراتی شان است. گاز به دلیل عدم تبعیت از فرمولی یکسان و واحد، همواره با نرخ‌های منطقه‌ای و بیشتر بر اساس تفاهم خریدار و فروشنده رد و بدل خواهد شد، اما تأسیس مجمع کشورهای صادرکننده گاز، بازارهای تقاضا را در مقابل منابع تأمین گاز سامان‌دهی می‌کند و می‌تواند در مصرف‌کنندگان آرامش عرضه با ثبات انرژی را پدید آورد. در این میان، ایران با آن که دومین دارنده ذخایر گازی جهان است، چون سهمی از بازار تجارت گاز ندارد، قدرت زیادی هم نداشته و تنها زمانی می‌تواند از تشکیل مجمع صادرکنندگان گاز خوشحال باشد که امکان صادرات انبوه گاز و کسب بازارهای مهم جهان، نظیر اروپا را داشته باشد.

تقدیر: متشکریم.